

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سازمان انقلابی افغانستان

۳۱ اگست ۲۰۱۷

کار دموکراتیک انقلابی و غیر انقلابی

کار دموکراتیک و دیدگاه های متفاوت

(۶)

در حال حاضر چهار دیدگاه در زمینه کار دموکراتیک وجود دارد:

- دیدگاه فرار از کار دموکراتیک و «مصونیت قضائی» و «دام و دانه» دانستن آن،
 - دیدگاه مخدوش کردن کار دموکراتیک با کار سوسیالیستی یعنی همان مارکسیزم علنی که گاه با مقاله های طویل و غامض و گاه هم تا سطح فعالیت جامعه مدنی سقوط می کند،
 - دیدگاه شدیداً ارتجاعی و غیر انقلابی که کار دموکراتیک را در خدمت کار سوسیالیستی قرار نداده بلکه بر اساس پروژه و انجو و قانون گزائی آباد می گردد، و
 - دیدگاه کار دموکراتیک انقلابی که در پیوند با اصول انقلابی قرار دارد و برای پیوندیابی با توده ها، سازماندهی توده ها و استحکام همبستگی توده ها رویدست گرفته می شود و در نهایت به کار سوسیالیستی یاری می رساند.
- در اینجا هر چهار دیدگاه را اجمالاً مورد بررسی قرار می دهیم:

۱ - فرار از کار دموکراتیک:

عده ای با شنیدن اصطلاح کار دموکراتیک تب می گیرند و دچار اضطراب می شوند. آنانی که عمدتاً در خارج از کشور به سر می برند و به بیماری مزمن «مائویزم» خیالی و تفرنی و جدا از توده ها مبتلا هستند، با کار دموکراتیک سازگار نیستند. «مائویست» های وطنی، کار دموکراتیک را در شرایط کنونی «دام و دانه» و «مصونیت قضائی» می دانند و از آن می ترسند. آنان چون عرضه کار در میان توده ها را ندارند با شعار «جنگ خلق» سرگرمی مفتضح به راه انداخته اند و با صدور قطعنامه های «انترناسیونالیستی» گاه کوتاه و گاه طویل، قدم عملی برای رهائی توده های ستمدیده افغانستان برداشته نمی توانند.

انقلابیون مبارزه علنی را جزئی از کار و بیکار انقلابی می دانند و قطعاً از آن نمی ترسند و به بهانه های «مصونیت قضائی» و «دام و دانه» از این کار با ارزش پا پس نمی کشند.^۱ آنانی که خطر نمی پذیرند و از کار میان توده ها می ترسند، تلاش می کنند که با انقلابی نمائی های مبتذل زیر پرده ضخیم «مبارزه مخفی» پنهان شوند و به این شکل تنها به حرافی پرداخته، به مغشوش نمودن افکار و توطئه بازی رو آورده، عملاً به انقلاب و توده ها خیانت می کنند. یک مبارز انقلابی را فقط می توان در پراتیک انقلابی تشخیص داد نه با حمل پشتواره های تیوری های مارکسیستی.

هنر تلفیق مبارزه علنی با مبارزه مخفی، کار چپ انقلابی است.^۲ «مانویست» های وطنی از مبارزه و کار علنی و رفتن میان توده ها می گریزند، به کتابخانه ها پناه می برند و مشغله شان را مارکسیزم اتاقی می سازد. آنان بدون شک می توانند ده ها چه که صدها صفحه را با تیوری های مارکسیستی پر کنند، بدون این که کوچکترین قدمی در راستای کار میان توده های ستمدیده بردارند. مارکسیزم اتاقی به درد توده ها نمی خورد، توده ها به مارکسیزمی که توان و قابلیت عملی داشته باشد نیاز دارند، در غیر آن ایدئولوگ های بورژوائی متخصص تر از «مانویست ها» می توانند در حول و حوش مارکسیزم تیوری بافی کنند.

«مانویست» ها که توان، جرأت و شهامت و نیت و اراده کار در میان توده ها را ندارند، اکثراً از کشور فراری هستند. منطق فرار ایشان نیز بی باوری به نیروی لایزال توده هاست. در غیر آن یک انقلابی ماهر، کاردان و دانا، در صورتی که نیت مبارزه داشته باشد، می تواند در بدترین شرایط نیز با رعایت پنهانکاری در میان توده ها بماند و قرار را بر فرار ترجیح بدهد. هیچ عقل سلیم پذیرفته نمی تواند که فرار اینان به نیت تداوم مبارزه بوده باشد، زیرا تاریخ نشان داده است که انقلابیونی که نیت مبارزه داشته اند، خارجه را دوباره به قصد میهن ترک کرده، در کنار توده ها به انقلاب شانه داده اند.^۳

«مانویست» های فراری ما مصروف دو کار عمده هستند: انجوایزم و «شورش» در کشورهای غربی. اینان، چنانچه خود بر یکدیگر سند می آورند، انجوبازان حرفه ئی هستند (همان کار علنی خاینانه و ضد انقلابی)؛ ولی در عین حال ردای ضخیم «مبارزه مخفی» را به تن کرده اند، تلفیق مبارزه علنی و مخفی را به استهزاء گرفته اند و این اصل بلشویکی را «مصونیت قضائی» و «دام و دانه» می خوانند تا ساده لوحان را بفریبند و فرار شان را انقلابی جلوه کنند. اما خلاف «مانویست» های وطنی، انقلابیون برای سازماندهی توده ها نیاز به تبلیغات سیاسی دارند. این تبلیغات سیاسی و سازماندهی توده ها از طریق مبارزه نیمه مخفی و علنی امکان پذیر است. بدون تبلیغات ساده، آسان و قابل درک مشکل است به سازماندهی و آگاهی توده ها پرداخت. تظاهرات، اکسیون، اعتصاب، اعتراض، تجمع و... مخفی صورت گرفته نمی تواند، اینها باید در فضای باز و علنی صورت بگیرند و وظیفه انقلابیون است تا از اکسیون ها، تظاهرات ها، اعتصابات، تجمعات و... به سود کار مخفی و زیرزمینی بهره برداری نمایند.

^۱ «... حزب نه تنها فعالیت آشکار را تقبیح نموده بلکه به عکس کسانی را که آن را می کنند یا از آن روی بر می تابند تقبیح کرده است.» (مسائل مورد مشاجره حزب آشکار و مارکسیست ها - لنین)

«البته در رابطه با گذاردن کار عمده در خدمت مبارزه مسلحانه، باید در انواع مبارزات علنی و غیر علنی، قانونی و غیر قانونی در شهرها و دهات تحت تسلط دشمن نیز وارد شد و میان آن ها پیوند مناسبی ایجاد نمود.» (ساختمان حزب - مائوتسه دون)

^۲ «برای یک کمونیست اشتباه بزرگی خواهد بود که خواست های فعلی کارگران را که به خاطر بهبودهای جزئی در شرایط کارشان مطرح می شود، با دیده تحقیر بنگرند و یا یک برخورد غیر فعال (پاسیو) به این مبارزات، به بهانه برنامه کمونیستی و این که هدف نهائی محتاج یک مبارزه انقلابی مسلحانه است، داشته باشند.» (در باره ترویج و تبلیغ، تز تشکیلاتی و ساختمان احزاب کمونیستی مصوبه سومین کنگره کمونیست بین الملل (کمینترن) در ۱۹۲۱)

^۳ سازمان انقلابی افغانستان قطعاً مخالف کار انقلابیون در خارج از کشور نیست، به شرطی که چنین کاری به موافقه یک تشکل انقلابی صورت گرفته باشد و یا انقلابیون منفرد در خارج از کشور تشکلات انقلابی را در مبارزه علیه امپریالیزم یاری برسانند؛ اما وقتی فرار برای سرگرمی مارکسیستی و تفنن باشد و با چیغ و هیاهوی «کار انترناسیونالیستی» و «جنگ خلق» و لاف و پتاق «تأسیس حزب کمونیست واقعی» و «مبارزه علیه «روزیونیسم»» در اروپا و تاختن بر رهبران جنبش انقلابی کشور توأم باشد، چنین حضوری حقیرانه و ننگین است.

چنانچه گفته شد مبارزه توده ها، اعتراض توده ها و خیزش توده ها، مخفی صورت گرفته نمی تواند. وقتی فعالیت توده ها علنی است، انقلابیون ناگزیر هستند ریسک بپذیرند و به آن پهلو بزنند. رد کردن چنین کار سترگ، کار انقلابیون نیست، کار دون کیشوت هاست؛ کار انقلابیون نیست، کار «مائویست»های بالماسکه ای و فراری است.⁴

مبارزه علنی زمینه را برای متحد شدن توده های ستمدیده فراهم می سازد. مبارزه علنی بستری برای رشد جنبش های مردمی است. مبارزه علنی روند اعتراضی مردم را شتاب می بخشد و بدون چنین مبارزه ای مشکل است که بتوان مبارزه مخفی را سروسامان بخشید. بدون تلفیق مبارزه مخفی با مبارزه علنی، صحبت و سخن از توده ها و آگاهی دادن به توده ها عوامفریبی «مائویستی» است. تنها و تنها انقلابیونی می توانند از آگاهی و سازماندهی توده ها صحبت کنند که عملاً در جنبش ها، اعتراضات، اعتصابات، تظاهرات ها و کار روشنگرانه توده ای شرکت کنند. کمونیست ها که متعهد به رهائی توده ها از جور و ستم های مختلفه هستند، میان توده ها اند، نترس و با شهامت هستند، به فکر و باور شان ایمان و ایقان دارند، و حتی در یک کشور مستعمره نیمه فیودالی و در دوران حاکمیت یک دولت استعماری متشکل از خاین ترین، جانی ترین و ارتجاعی ترین گروه های مزدور استعمار و امپریالیزم، روزنه ها و دریچه های کار علنی را جست و جو می کنند تا بتوانند به انقلاب و رهائی توده ها کمک کنند.

«مائویست»ها به خوبی می دانند که کمونیست های انقلابی در هر نوع وضعیت می توانند به اعتراض های علنی توده ها پهلو بزنند، از کوچکترین روزنه های موجود برای روشنگری و مبارزه سیاسی سود ببرند و به گفته لنین اگر از چنین فعالیتی روی برتابند، باید تقبیح شوند و یا اگر آن را به بعد موکول سازند دچار اشتباه ژرف و عقب نشینی از اصول اساسی سوسیال دموکراتیزم جهانی می شوند؛ اما چون آنان از توده ها می ترسند و به زندگی خرده بورژوازی عادت کرده اند، ناچار برای تیرئه فرار خود از مبارزات توده ای و کار روشنگرانه برای سازماندهی حرکت ها و جنبش های توده ای و سمت و سوی ذهنیت مردم، علیه مبارزه علنی تلوار می کشند. اینان خوب می دانند که انقلابیون باید از امکانات قانونی و علنی برای سازماندهی توده ها استفاده کنند، در غیر آن به یک گروه توطئه گر، بی عرضه، فراری، مبتذل و مرتجع تبدیل می شوند، چنان که آنان شده اند.⁵

در مورد این که آیا تحت سیطره اشغال و دولت پوشالی و سایر خونخوران ممکن است که «سازمان انقلابی افغانستان» از تربیون های خود آنها، علیه خود آنها استفاده کرده و به اصطلاح جنایات و تجاوزات آنها را علیه خلق و میهن و علیه خلق ها و ملل جهان افشاء سازند! و شرایط و اوضاع حاکم موجود در کشور را برای توده های خلق تشریح کرده و آنها را از وضعیت اشغال نظامی و تسلط استعماری امپریالیست های امریکائی و ناتو و ماهیت دولت دست نشانده و جنایاتی که همه روزه از طریق بمباران ها و قتل و کشتار و تجاوز به توده های خلق روا می دارند و

⁴ «کسی که در عمل فراموش کند که وظیفه اش این است که در طرح و تشدید و حل هرگونه مسایل عمومی دموکراتیک در پیشاپیش همه باشد، آن کس سوسیال دموکرات نیست... وظیفه مبرم ماست که از دو مساله دفاع کنیم و آن تلفیق کار علنی و غیر علنی است که خصوصاً از ما می خواهد که با هرگونه «کم بها دادن به نقش و اهمیت» حزب غیر علنی مبارزه کنیم. دفاع از موضع حزب در باره مسایل کم اهمیت تر، با معیارهای متعادل تر، در موارد خاص و در چارچوب قانونی، دقیقاً یک ضرورت است که به خصوص از ما می خواهد تا نسبت به آن دقت نظر داشته باشیم تا سر و ته این اهداف و شعارها زده نشود، تا شکل تغییر یافته مبارزه، محتوای آنها را از بین نبرده و از خصلت مبارزه جویانه آنها نکاهد، و نیز دورنمای تاریخی و هدف تاریخی پرولتاریا را تحریف ننماید...» (چه باید کرد؟ - لنین)

⁵ سومین کنگره کمونیست بین الملل (کمینترن) در مورد آنانی که از کار علنی فرار می کنند و خود را در پرده ضخیم «مخفی کاری» پنهان می کنند، حکم داهیه ای دارد: «از طرف دیگر، احزاب غیر قانونی معمولاً در استفاده از امکانات فعالیت های قانونی برای ساختن یک سازمان حزبی که بتواند آن ها را در تماس و نزدیکی مداوم با توده های انقلابی قرار دهد، کوتاهی می کنند. سازمان های زیرزمینی این حقیقت حیاتی را نادیده می گیرند. امکان این را به خود می دهند که فقط به صورت گروه هایی که پیوسته مشغول توطئه بوده و نیروی خود را برای کارهای بیپوده مصرف می کنند، درآیند.» (اصول تشکیلاتی حزب، تز تشکیلات و ساختمان احزاب کمونیستی مصوبه سومین کنگره کمونیست بین الملل (کمینترن) در ۱۹۲۱)

نیروهائی که باعث این همه مصایب و بدبختی های آنها طی دهه های اخیر بوده اند و هستند، آگاه سازند»^۶؛ متذکر می شویم که در این مورد دو امکان موجود است: امکان انقلابی و امکان «مائویستی». انقلابیون حق ندارند که چنین امکانی را رد کنند.^۷ مهارت انقلابیون در همین است که چنین امکانی را به وجود بیاورند، از کوچکترین فرصت ها استفاده کنند و به افشای ستمگران و غارتگران بپردازند، اما شرط اصلی برای ایجاد چنین امکانی، حضور انقلابیون در میان توده ها و کار در میان آنانست. انقلابیون وظیفه دارند که به اقتناع توده ها حتی در سازمان های پوشالی که پایه توده ئی دارند بپردازند، صفوف دشمن را پراکنده سازند، به تفرقه و نفاق در آن اقدام کنند و صفوف انقلاب را مستحکم نمایند. همین است که مائوتسه دون به انقلابیون (نه به «مائویست»ها) وظیفه می دهد: «کمونیست ها باید در تمام سازمان های پوشالی که پایه توده ئی دارند به تبلیغات اقتاعی دست بزنند تا توده های را که فریب خورده اند به طرف ما و علیه دشمن ملت جلب کنند.» (وظایف در مناطق اشغالی جاپان، درباره دولت ائتلافی، ۲۴ اپریل ۱۹۴۵) و همینگونه کمیترن هدایت می دهد: «هر سازمان کمونیستی غیرقانونی باید به طور کامل از امکانات جنبش کارگری قانونی استفاده کند تا با فعالیت شدید حزب، بتواند رهبر سازمان یافته و واقعی توده های عظیم انقلابی شود.» (فعالیت قانونی و غیرقانونی، اصول تشکیلاتی حزب، کمیترن ۱۹۲۱)

اما برای «مائویست»های حراف چنین امکانی موجود نیست، زیرا آنان از میان مردم فرار کرده اند، آنان هرگز نمی توانند چنین کاری را انجام دهند. «مائویست»های فراری ما به قول مائوتسه دون «دستگاه های ضبط صوت» اند که جز تکرار طوطی وار معلومات تکه پاره ناهضم شده چیز دیگری بلد نیستند و توده ها به چنین «دستگاه ها»ئی ضرورت ندارند. «مائویست»های فراری هرگز نمی توانند چنین امکانی را به وجود بیاورند، زیرا آنان «کار دیگری جز از برخواندن جملات و کلمات منفرد و مستخرج از آثار مارکس، انگلس، لنین و ستالین بلد نیستند» و توده ها به چنین «مستخرجین» نیازی ندارند. توده ها به پیشاهنگانی ضرورت دارند که در تلفیق کار علنی و مخفی و کار دموکراتیک و سوسیالیستی ماهر، دانا و کاردان باشند و در میان توده ها برای رهائی آنان برزمند.

ادامه دارد

^۶ «پاسخ به حملات خصمانه... بخش ۱۴» (پولاد، ۲۴ فبروری ۲۰۱۴)

^۷ «تجربه به ما می آموزد این نظریه، که گویا فعالیت علنی و یا نیمه علنی در کشورهای فاشیسم در آن حاکم است به طور کلی امکان ناپذیر می باشد، نظریه ای است مضر و نادرست. دفاع و پشتیبانی از چنین نظریه ای به معنی دچار شدن به سستی و رخوت و به طور کلی به معنی انکار کردن هرگونه کار و فعالیت واقعاً توده ای است. حقیقت امر این است که در شرایط دیکتاتوری فاشیستی پیدا نمودن اشکال و اسالیب فعالیت علنی و یا نیمه علنی وظیفه ای است دشوار و بگرنج. ولی همانند موارد متعدد دیگر، خود زندگی و ابتکار توده ها راه را نشان خواهد داد. و توده ها تا کنون چنین نمونه هائی را نشان داده اند. ما باید این نمونه ها را تعمیم دهیم و به طور مناسب و سازمان داده شده، به کار ببریم. ... کسی که ضرورت به کار بردن این گونه تاکتیک ها را نسبت به فاشیسم درک نمی کند و چنین برخورد و رفتاری را «موهن» تلقی می کند، او ممکن است رفیق بسیار خوب و شریفی باشد، ولی اجازه بدهید که بگویم چنین رفیقی پرگو است نه انقلابی. او نخواهد توانست توده ها را در پیکار به خاطر سرنگون کردن دیکتاتوری فاشیستی رهبری کند.» (مبارزه در راه جبهه واحد علیه فاشیسم و جنگ - گئورگی دیپیتروف. دیپیتروف در هفتمین کنگره در سال ۱۹۵۳ به حیث دبیرکل انترناسیونال کمونیستی انتخاب شد). اینجا باید علاوه کرد که «مائویست»های فراری به هیچ وجه رفقای خوب و شریف نیستند، بلکه توطنه گران بی آرم غیر انقلابی و پرگو هستند.